

The growth and development of feminist ideas in Iran and its analysis from the First World War to the Second World War

Alie Javanmardi*,

Nasrolah Pourmohammadi Amlashi, Hojjat Fallah Tootkar*****

Abstract

Feminism is one of the important social movements in the world, which was able to bring about extensive changes in the status of women, but the perception of educated people in different regions of the world about this movement has not been the same. Educated men and women of Iran were also influenced by the intellectual foundations of this movement. The main question is, what was the process of growth and expansion of feminism in Iran from the First World War to the end of the first Pahlavi? And what were the backgrounds of the formation of feminism in Iran and what were the influences of the intellectuals from the feminism movement? The current research aims to explain the feminist requests of women, the supporters, and opponents using the analytical and descriptive method and relying on library sources, journals, and publications. The findings of this study show that feminism formation in Iran were different from the western countries, and women's rights activists in Iran had their own special conditions, which were different from the situation of western women. Therefore, the feminist movement that was formed in Iran was not the same as the western movement. But due to the extensive changes in the status of women after the constitution, a quasi-feminist trend occurred in Iran, which grew after the constitution and the First World War and

* Ph.D. student of Iranian Islamic History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding author), javanmardi.alie@yahoo.com

** Professor of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, poor_amlashi@yahoo.com

*** Assistant Professor of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, hojjat.fallah@yahoo.com.

Date received: 11/03/2023, Date of acceptance: 02/07/2023



۸۲ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

during the period of Reza Shah and following her trend of modernism, it progressed and continued.

Keywords: Women, Feminism, Western countries, First Pahlavi, World War

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران و بررسی آن از جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم

علی جوانمردی*

نصراالله پورمحمدی املشی**، حجت فلاح توتکار***

چکیده

فمینیسم از جمله جنبش‌های مهم اجتماعی در دنیا هست که توانست تغییرات گسترده‌ای در وضعیت زنان به وجود بیاورد، اما تلقی تحصیلکردگان مناطق گوناگون جهان از این جنبش یکسان و همانند نبوده است. زنان و مردان تحصیلکرده‌ی ایران هم تحت تأثیر مبانی فکری این جنبش قرار گرفتند. پرسش اصلی این است که روند رشد و گسترش جریان فمینیسم در ایران از جنگ جهانی اول تا پایان پهلوی اول به چه صورت بوده است؟ و زمینه‌های شکل‌گیری فمینیسم در ایران چگونه بوده است و روشنفکران چه تأثیراتی از جریان فمینیسم گرفته‌اند؟ پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و جراید و نشریات، در صدد تبیین درخواست‌های فمینیستی زنان و موافقان و مخالفان در این زمینه می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زمینه‌های شکل‌گیری فمینیسم در ایران با کشورهای غربی متفاوت بود و فعالان حقوق زن در ایران شرایط خاص خود و گاه متفاوت از تجارب غرب داشتند و بنابراین جنبش فمینیستی به آن معنا که در غرب شکل گرفت، در ایران به وجود نیامد. اما با توجه به تغییرات گسترده در وضعیت زنان بعد از مشروطه یک جریان شبه‌فمینیستی

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)، javanmardi.alie@yahoo.com

** استاد، گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران poor_amlashi@yahoo.com

*** استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران hojjat.fallah@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱



در ایران رخ نمود که بعد از مشروطه و جنگ جهانی اول رشد کرده و در دوره‌ی رضاشاه و به دنبال جریان تجددخواهی او تا حدی پیشرفت داشت و ادامه پیدا کرد

کلیدواژه‌ها: زنان، فمینیسم، کشورهای غربی، پهلوی اول، جنگ جهانی

۱. مقدمه

بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند اولین عاملی که باعث ارتباط گسترده بین ایرانیان و اروپاییان گردید جنگ‌های ایران و روسیه و سپس اقدامات عباس میرزا در این زمینه بود. انعکاس افکار غربی در جامعه‌ی ایران و تأثیر در دربار اهمیت فراوانی داشت. این تأثیرات با سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ شدت بیشتری می‌یابد. آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپا در دوران معاصر و تأسیس مدارس جدید توسط مسیونرهای غربی و انتشار روزنامه‌های متعدد پس از انقلاب مشروطه را می‌توان از عوامل گوناگون آگاهی زنان ایران در عصر قاجار دانست. در واقع آغاز فعالیت‌های زنان برای دستیابی به خواسته‌ها و مطالبات خود را می‌توان بعد از انقلاب مشروطه دانست، زیرا مشروطه آثار شگرفی در تغییر نگرش‌ها به ویژه در میان زنان بر جای گذاشت. افزایش ارتباط با اروپاییان باعث شد تا روشنفکران به نقد موقعیت اجتماعی زنان در کشور بپردازند و در مسیر ایجاد تغییر وضعیت اجتماعی آنان تلاش کنند. از جمله‌ی این افراد روشنفکرانی چون میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، میرزا ملکم‌خان و آخوندزاده بودند که همگی در مورد تغییر فضای سنتی و موقعیت زنان در جامعه به بحث پرداختند. در ادامه زنان تحصیل کرده نیز برای کسب حقوق جدید اقداماتی را شروع کردند.

با شروع دوره‌ی پهلوی، گرایش حاکم در میان افراد و حکومت پهلوی ترویج فرهنگ غربی برای رسیدن به توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی بود و بیشتر مطالبات زنان در راستای خواسته‌هایی بود که حکومت وقت برای مدرن کردن کشور به زنان تزریق می‌کرد. بنابراین اندیشه فمینیسم همزمان با انقلاب مشروطه وارد ایران شد و با روی کار آمدن حکومت پهلوی این اندیشه توسط فمینیست‌های این دوره به حیات خود ادامه داد.

اگر چه موضوع فمینیسم در ایران به خاطر چالش‌ها و معضلاتی که جامعه با آن درگیر است یکی از مباحث داغ و روزآمد جامعه است و آن را می‌توان در ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار داد، ولی نوشتار کنونی در قالب مقاله طرح و تدوین شده است، لاجرم الزامات و محدودیت‌های خاص خود را دارد و نمی‌توان به همه پرسش‌ها و مفروضاتی که در این مورد مطرح می‌شود در این پژوهش مورد پردازش قرار داد. هدف این نوشتار توصیف شرایط و

درخواست‌های فمینیست‌های غربی در موج اول و تأثیر گرفتن روشنفکران ایرانی از آنان است و مقاله‌ی حاضر جستاری است در پاسخ به این سؤال که این روشنفکران در چه زمینه‌هایی از این جریان فمینیستی تأثیر پذیرفتند و چه زمینه‌هایی باعث شکل‌گیری افکار فمینیستی در ایران در فاصله‌ی دو جنگ جهانی شد؟ و طرح واژه‌ی فمینیست توسط چه کسانی در ایران انجام شد؟ این مقاله تلاش می‌کند تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و جراید موجود و با روش توصیفی و تحلیلی، ضمن بازنمایی درخواست‌های فمینیستی زنان در کشورهای غربی، مهم‌ترین مطالبات فمینیستی توسط مردان و زنان روشنفکر در ایران در فاصله‌ی دو جنگ جهانی را بررسی، تبیین و مورد نقد قرار دهد. با آنکه این فرایند در دوره پهلوی دوم نیز ادامه داشت ولی به دلیل محدودیت مقاله ادامه این فرایند در دوره پهلوی دوم مستلزم مقاله دیگری است. چرا که هم به لحاظ بعد زمانی و هم عوامل مؤثر در فعالیت‌های فمینیستی ملاحظاتی وجود دارد که در این مقوله نمی‌گنجد.

در مورد زنان و وضعیت آنان در دوره‌ی مورد بررسی به خصوص دوره‌ی قاجار کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. پژوهش‌هایی که در مورد حقوق و مطالبات زنان و اندیشه‌های فمینیستی زنان انجام شده است را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، گروهی فقط به طرح خواسته‌های زنان و فعالان حقوق زن در دوره‌ی قاجار و پهلوی پرداخته‌اند. گلرنگ خدیوی نویسنده‌ی مقاله‌ی «جستاری بر نقش روشنفکران مرد در طرح حقوق زنان ایران طی دوره‌ی قاجار تا پیش از انقلاب اسلامی» نمونه‌ای از این موارد بود که به جریان تجددخواهی و تفکرات روشنفکری متأثر از غرب می‌پردازد و به جایگاه زنان از دیدگاه مردان از دوره‌ی قاجار تا پهلوی پرداخته است. نویسنده‌ی این مقاله به روزنامه‌ها که منابع اصلی این دوره است اصلاً رجوع نداشته است. محسن پرویش و محسن بهشتی سرشت مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان» (با تأکید بر نشریه‌ی نامه بانوان) دارند که خواسته‌های زنان را در این نشریه تحت عنوان‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله پژوهش‌های مفید زنان، کتاب «هدف‌ها و مبارزه‌ی زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی» می‌باشد که در زمینه‌ی تلاش‌های زنان برای احقاق حقوق خود اطلاعات قابل توجهی داده است. مریم فتحی نیز در کتاب خود «کانون بانوان با رویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت‌های زنان در ایران» در فصل‌های اولیه، روند آشنایی زنان با غربیان و تأثیر از آن‌ها را توضیح داده است. پایان‌نامه‌ی احمدعلی زاده تحت عنوان فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی زنان در عصر رضاشاه نیز به بررسی فعالیت‌ها و خواسته‌های زنان در قالب انجمن‌ها و روزنامه‌های زنان پرداخته است.

گروهی دیگر از نویسندگان سعی کرده‌اند تا با بررسی جریان فمینیسم به طرح حقوق زنان در دوره‌های مختلف تاریخی بپردازند. در یک مورد مقاله‌ای تحت عنوان «جنبش‌های فمینیستی در ایران: دوره‌ی پهلوی» نوشته‌ی حمیده صدقی وجود دارد که برخلاف عنوان آن، او نیز فقط به وضعیت حقوقی زنان و فعالیت‌های زنان روشنفکر و تحصیلکرده در دوره‌ی پهلوی اول و دوم به صورت خلاصه پرداخته است. مقاله‌ی دیگر از اسماعیل چراغی کوتیانی تحت عنوان «رویارویی ایرانیان با فمینیسم از فمینیسم ایرانی تا فمینیسم اسلامی»، جریان شکل‌گیری فمینیسم در دنیا را به تفصیل شرح داده و پس از آن به صورت کوتاه و موردی و بسیار خلاصه مطالبات زنان در دوره‌های مختلف تاریخی تا انقلاب اسلامی را بررسی کرده است. وجه تمایز این پژوهش این است که به جریان فمینیسم در ایران در میانه‌ی دو جنگ جهانی و زمینه‌های شکل‌گیری افکار فمینیستی ضمن مقایسه با کشورهای غربی، به بررسی و نقد افکار موج اول فمینیست‌ها در غرب و اثرات این افکار در زنان و مردان روشنفکر و تحصیلکرده در میانه‌ی دو جنگ جهانی پرداخته است و نظرات متفاوت و مخالف آن‌ها در مورد خواسته‌های فمینیستی در دوره‌ی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در پژوهش‌های انجام شده یک یا دو روزنامه و منابع محدود مورد بررسی قرار داده شده یا دوره‌ی طولانی مورد بررسی قرار گرفته است اما در پژوهش پیش رو تقریباً تمام روزنامه‌های میانه‌ی دو جنگ جهانی مورد بررسی و علاوه بر دیدگاه‌های افراد مشهور، مهم‌ترین نظرات افرادی که دارای جایگاه مختلف فکری و فرهنگی و اجتماعی بودند مورد کاوش قرار گرفته است.

۲. فمینیسم و پیشینه‌ی تاریخی آن

ریشه‌ی اصلی فمینیسم (Feminine) می‌باشد که از ریشه‌ی لاتینی (Femina) گرفته شده است (فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ۱۳۸۲: ۱۴). در فرانسوی و آلمانی (Feminin) به معنای زن یا جنس مؤنث می‌باشد که Feminine معادل آن می‌باشد (رودگر، ۱۳۸۸: ۲۳). در واقع فمینیسم به معنای نهضت حمایت از حقوق سیاسی و اجتماعی زنان (زمردیان، ۱۳۷۳: ۱۷۹) و نهضت طرفداری از حقوق زنان می‌باشد (مهریزی، ۱۳۷۸: ۱۳۴).

فمینیسم در معنای اصطلاحی بر مکاتب و جنبش‌هایی اطلاق می‌شود که به نوعی یا مروج رفتارهای زنانه بوده‌اند یا از حقوق زنان دفاع کرده‌اند و این مکاتب به عنوان اصطلاحی عام و فراگیر برای توصیف آنچه به عنوان جنبش زنان در اروپا و آمریکا در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ معروف بود اطلاق شد (قوی، ۱۳۸۹: ۵۹؛ دولتی و غیره، ۱۳۸۸: ۲۳). فمینیسم طرحی

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۸۷

برای دگرگونی اجتماعی و نیز جنبشی برای پایان بخشیدن به آنچه سرکوب زنان دانسته می‌شود، است (روباتم، ۱۳۸۵: ۷). در واقع فمینیسم مجموعه فعالیت‌های اجتماعی با هدف احقاق حقوق زنان و رفع تبعیض از آنان که غالباً به وسیله‌ی خود زنان انجام می‌گیرد. فمینیسم آموزه‌ای است که قائل به لطمه دیدن نظام‌مند زنان در جامعه‌ی مدرن است و از فرصت‌های برابر برای مردان و زنان پشتیبانی می‌کند (بیسلی، ۱۳۸۹: ۵۵). بنابراین بر اساس این تعاریف می‌توان گفت فمینیسم نمی‌تواند دارای معنای واحد و مشخصی باشد، زیرا گاه یک جنبش برای احقاق حقوق زن و گاه یک نظریه در مورد برابری زن و مرد در تمام عرصه‌های زندگی به کار می‌رود (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۲۴۸).

در غرب تاریخ قابل ردگیری شروع فمینیسم با تألیف آثار اعتراضی نسبت به شرایط زنان مشخص می‌شود؛ چنین آثاری نخستین بار در دهه‌ی ۱۶۱۰م منتشر شدند. برخی نخستین فمینیست را «آن براد استریت» (A. Brodsteet) می‌دانند و برخی نیز سابقه‌ی این نهضت را به سال ۱۶۸۹م انگلیس باز می‌گردانند. فمینیسم در قرن‌های نوزدهم و بیستم آشکارا وجه سیاسی و اجتماعی پیدا کرد. رساله‌ی جان استوارت میل (John Stuart Mill) به نام «انقیاد زنان» که در سال ۱۸۶۵م منتشر شد مهم‌ترین اثر فمینیستی قرن نوزدهم به شمار می‌رود. از نظر تاریخی تکامل جنبش فمینیسم به سه مرحله‌ی زمانی برمی‌گردد. مرحله‌ی اول (۱۹۲۰-۱۸۵۰م) موج اول یا دستیابی به حق رأی نامیده می‌شود. آغاز موج اول را به کتاب «اثبات حقوق زن» ماری ولستون کرافت (Mary Wilson Craft) نسبت می‌دهند (بهشتی و احمدنیا، ۱۳۸۵: ۴۹). دومین موج فمینیسم از حدود ۱۹۶۰م شروع و تا سال ۱۹۸۰ ادامه یافت (پیشگامی فرد و قدسی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). سوم از سال ۱۹۹۰م شروع شد. در این موج که تا امروز ادامه دارد نگرش‌های فمینیستی در برابر موج دوم تعدیل شد و در نگرش فمینیستی تعدد زیادی رخ داد (بهشتی و احمدنیا، ۱۳۸۵: ۵۲).

موج‌های فمینیسم هرکدام ویژگی‌های مختص آن دوره را داشتند. با توجه به دوره‌ی مورد پژوهش، فمینیسم در این دوره موج اول را در اروپا و آمریکا سپری می‌کرد و بعد از مدتی دچار رکود شد و می‌توان خواسته‌ها و مطالبات زنان این دوره را به این صورت خلاصه نمود: برابری زن و مرد در تمام حقوق اجتماعی، فردی و سیاسی مانند حق مالکیت زنان بر اموال خویش و حق رأی مانند مردان، استقلال زنان از لحاظ مالی که باعث خودکفایی آنان می‌شد (دولتی و غیره، ۱۳۸۸: ۳۹)، در نظر گرفتن اشتغال، حرفه، آموزش و کارآموزی‌های برابر

با مردان (مارلین لگیت، ۱۳۸۹: ۳۰۱)، بهبود وضعیت زنان متأهل در قوانین، حق برابر با مردان برای متارکه‌ی قانونی بوده است (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۲۴۹؛ اسحاقی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۵)

۳. واژه‌شناسی فمینیست در ایران

طرح واژه‌ی فمینیست نخستین بار در سال ۱۳۹۸ش توسط تقی رفعت و رفیع خان امین مطرح و به مردم معرفی شد. آنان در روزنامه‌های تجدد مقاله‌هایی با اسامی مستعار «فمینا» و «فمینیست» انتشار دادند و درباره‌ی لزوم احقاق حقوق زنان و موانعی که بر سر راه این مهم وجود دارد به بررسی پرداختند. تقی رفعت در مقاله‌ی خود در تعریف فمینیسم چنین می‌گوید «فمینیست در اصطلاح امروزی شخصی را گویند که طرفدار نسوان بوده، از حقوق حقه‌ی آن‌ها مدافعه می‌کند، برای تهوین احتیاجات و اصلاح وضعیات انفرادی و اجتماعی آن‌ها مجاهدت می‌ورزد. به عبارت اخری پیرو و سالک مسلک فمینیسم می‌باشد». او فمینیسم را به دو نوع «اصل و دروغین» تقسیم کرده و بیان می‌کند فمینیست‌های دروغین فقط به ستایش زنان می‌پردازند اما فمینیست‌های اصل را کسانی می‌داند که در عمل به دفاع از حقوق زنان می‌پردازند (رفعت، ۱۸ حمل ۱۳۹۹: ۴) رفیع خان امین نیز فمینیسم را این چنین تعریف می‌کند

در ایران در هیچ مورد اجتماعی از زن ایرانی صحبتی در میان نیست. در ایران زن از حقوق مشروع‌هی خود مسلوب است زیرا نه اشخاص حامی او هستند و نه قانون او را صیانت می‌کند و نه او خود به حقوق خویش واقف و آشناست (امین، ۲۰ حوت ۱۳۹۸: ۴).

این دو نفر مانع اصلی و عمده‌ی عدم حضور و مشارکت زنان ایرانی در اجتماع را نگرش مردسالار بر جامعه‌ی ایران می‌دانستند و معتقد بودند باید برای رهایی از این امر تلاش کرد. تقی رفعت در این باره می‌نویسد «وضعیت زن ایرانی در محیط اجتماعی ایران به متتها درجه بی‌ترتیب و بی‌قاعدده است. مردان ایران زنان خودشان را در زنجیر اسارت نگاه می‌دارند» (رفعت، ۴ ثور ۱۳۹۹: ۴). البته آن‌ها موانع موجود بر سر راه حضور فعال زنان در عرصه‌ی حیات اجتماعی جامعه‌ی ایران را به نگرش مردسالار و خواست و اراده‌ی مردان محدود نمی‌کردند؛ بلکه بخشی از این عدم حضور را نتیجه‌ی عدم آمادگی زنان ایران برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می‌دانستند. این دو در سلسله مقاله‌هایی در روزنامه‌ی تجدد به بررسی این ضعف‌ها و کاستی‌ها پرداختند و راه‌های غلبه بر آن را بیان نمودند. هردو این افراد «اصلاح عوالم حیاتی» زنان و آماده ساختن آنان برای مشارکت فعال در ساماندهی

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۸۹

جامعه‌ی ایران را مشروط به تحصیل و گسترش امکانات آموزشی بانوان می‌دانستند. رفیع‌امین تحقیق این امر را وظیفه‌ی دولت دانسته و می‌نویسد: «اکنون که دولت و ملت جدا در خیال اصلاحات هستند... در این حال چرا به اصلاح اخلاق نسون ایرانی نباید اندیشید؟ مگر نوباوگان وطن تنها عبارت از اولاد ذکور است؟» (امین، ۸ دلو ۱۲۹۸: ۴). تقریباً پنج سال بعد از طرح واژه‌ی فمینیست توسط تقی رفعت و رفیع‌خان امین حسن نفیسی در سخنرانی‌اش در مجمع سوسیالیستی در پاریس به واژه‌ی فمینیسم اشاره می‌کند و تعبیر جدید «نسون‌نوازی» را به کار می‌برد و با کنایه فمینیسم را این‌گونه ترجمه می‌کند: «نسون‌نوازی چندی است در ایران رونق یافته یا بهتر [است بگوییم] از قدیم‌الایام مرسوم بوده، اجداد ما که زن‌های خود را با عصا و زنجیر و قاطر و سیخ کباب تعلیم می‌کردند، مقصودی جز نوازش نداشتند (نفیسی، اکتبر ۱۹۲۴: ۲۸۴). جدا از کنایه‌های نفیسی او فمینیسم را چنین تعریف می‌کند:

به عقیده‌ی ما زن و مرد هر دو، در طبیعت متساوی و باید در حقوق متساوی باشند. همچنان که مرد در تعیین سرنوشت و در طی مراحل زندگی خود آزاد است، زن نیز باید این آزادی را دارا باشد. مساوات و آزادی باید در تمام رشته‌های اجتماعی امتداد یابد. مساوات در حقوق مدنی، در امور اقتصادی، در زندگانی انفرادی و بالاخره در حقوق سیاسی، زن باید بتواند هرگونه شغلی را متصدی شود، وکیل تعیین و با شرط لیاقت، کرسی‌های پارلمانی را اشغال نماید (نفیسی، مه ۱۹۲۴: ۲۸۷).

به نظر می‌رسد در این دوره افکار فمینیستی در بین روشنفکران زن و مرد گسترش پیدا کرده بود و افراد بسیاری تحت تأثیر این جو فکری قرار گرفته بودند که تعدادی در ایران و تعدادی در خارج از ایران و در محافل فرهنگی و مطبوعاتی ایرانیان خارج از کشور فعالیت داشتند. نفیسی در این مورد می‌نویسد: «امروز مد چنین حکم می‌کند که همگی از نسون‌نوازی دم بزنیم، در روزنامه مقاله بنویسم و آزادی زن‌ها را یگانه آمال خود بخوانیم» (نفیسی، ۱۹۲۴: ۲۸۴-۲۸۵).

۴. زمینه‌های شکل‌گیری فمینیسم در ایران

از ضرورت‌های پژوهش درباره‌ی یک جنبش اجتماعی، زمینه‌های شکل‌گیری آن هست. در شکل‌گیری فمینیسم، عوامل بسیاری تأثیرگذار هستند که شناخت این عوامل به درک درست ما از عقاید فمینیستی کمک می‌کند. از جمله زمینه‌های شکل‌گیری فمینیسم در غرب، مدرنیته، لیبرالیسم و اومانیسم، رفتارهای خاص کلیسا، زمینه‌های اقتصادی، زمینه‌های سیاسی می‌باشد. در

ایران لیبرالیسم و مدرنیته یا اومانیسم به آن معنا که در اروپا شکل گرفته بود وجود نداشت ولی با توجه به تغییرات گسترده در وضعیت زنان بعد از مشروطه و با توجه به تعریف فمینیسم می توان گفت یک جریان شبه فمینیستی در ایران شکل گرفت. اگر چه مؤلفه های اقتصادی و صنعتی در غرب تأثیر زیادی در شکل گیری جریان فمینیسم داشته است اما در ایران این موضوع تأثیر قابل توجهی در شکل گیری جریان فمینیسم نداشته است. لذا در این مقاله کوشش می شود به مؤلفه هایی که هم در غرب و هم کمابیش در ایران تأثیرگذار بود، مثل نهاد دین و مذهب، نوع حکومت، جریان تجدد و ... را مورد بررسی قرار دهیم. تعدادی از این مسائل و خواسته های زنان ایرانی را می توان در جنبش اول فمینیسم غرب مشاهده کرد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

از جمله زمینه های مهم شکل گیری فمینیسم در غرب را مدرنیته دانسته اند. مدرنیته در زبان فارسی معادل واژه ی تجدد می باشد (بیات، ۱۳۸۱: ۵۲۹). تأکید مدرنیته بر اینکه هیچ چیزی را نباید قبل از اثبات عقلانی پذیرفت سبب شد زنان در بسیاری از مسلمات اجتماعی از جمله الگوی زن خانه دار، وظایف زن، توانایی های زن و ... تردید کنند (رودگر، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۷). در ایران اندیشه ی مدرنیته اولین بار توسط افرادی مثل میرزا ملکم خان، آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی وارد شد که جریان های فکری متأثر از مدرنیته ی غربی را با خود به همراه آوردند (آدمیت، ۱۳۵۱: ۱۴۷). بنابراین نخستین جرقه های فمینیسم در ایران از درون اندیشه های این گروه از روشنفکران زده شد. این روشنفکران یکی از راه های موفقیت و پیشرفت زنان در ایران را اخذ فرهنگ و تمدن زنان غربی می دانستند و با طرح مباحث مدرنیته سعی در تغییر و دگرگونی جامعه و از جمله زنان داشتند. بنابراین این افراد به انتشار عقاید فمینیستی دامن می زدند و از زنان می خواستند برای رسیدن به حقوق مساوی با مردان از تجربه ی زنان اروپایی استفاده کنند. در کنار مدرنیته و آزادی، دین زمینه ی مهم دیگری بود که در ظهور فمینیسم در غرب نقش داشت. تأثیر و نفوذ دین در اروپا از یک سو و رویکرد تبعیض آمیز جنسیتی کتاب مقدس و کلیسا از سوی دیگر موجب شد که جنبش زنان از ابتدا با تفسیر دلخواهانه از آموزه های مسیحیت و سرانجام با نفی کامل آن به تدریج به موضع رویارویی با آموزه های کتاب مقدس سوق پیدا کند (دولتی و غیره، ۱۳۸۸: ۷۷). فمینیست های ایرانی نیز در این زمان روحانیون را در ایجاد وضعیت نابسامان زنان مؤثر می دانستند، ولی به دلیل جامعه ی مذهبی و سنت گرا، همانطور که سانساریان اشاره می کند به انتقاد از اسلام نمی پرداختند، زیرا ممکن بود که بتوانند از اسلام به عنوان ابزار حمایتی برای فعالیت های خود استفاده کنند (سانا ساریان،

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۹۱

۱۳۸۴: ۸۱). در واقع فعالان حقوق زنان از نقد مذهب در این مرحله امتناع می‌کردند. چنانکه در اساس‌نامه‌ی جمعیت نسوان وطن‌خواه بر ضرورت حفظ دستورات اسلامی تأکید شده بود (منگنه، ۱۳۴۴: ۳۸-۳۹). دلایلی برای اینکه چرا این گروه از زنان مذهب را مستقیماً مورد انتقاد قرار نمی‌دادند وجود دارد. یک دلیل آن است که با انتقاد از اسلام، محور اصلی سرکوب اجتماعی که از سوی مردان و جامعه نسبت به زنان حمایت می‌شد، پنهان می‌ماند. توجیه دیگر برای عدم نقد اسلام، دور ماندن از عنوان کافر بود که اغلب از سوی متعصبان برای دادن وجهه‌ی منفی به فعالان حقوق زنان داده می‌شد («زن در قرن بیستم»، ۱۳۰۲، ۲). به همین دلیل نشریات زنان سعی داشتند تا جایی که امکان دارد با کمک آموزه‌ها و روایات که توجیه‌کننده‌ی برابری و تساوی زنان و مردان است قرائت ملایم‌تری از دین ارائه نمایند (شکوفه، ربیع الاول ۱۳۳۲، ۳). فردی به اسم لطف‌الله قمی در روزنامه‌ی ستاره‌ی ایران ضمن بیان این نکته به دفاع از زنان پرداخته است و بیان می‌کند که مردها در مقابل شریعت اسلام آزاد گذاشته شده‌اند و در هر کار زشت و ناپسندی آزاد هستند. این در حالی است که «اگر به اصل دین اسلام توجه شود زنان دارای حقوقی بودند و روزگارشان به این صورت نبود» (قمی، ستاره ایران، ۱۳۰۲، ۴) و «دین اسلام و قوانین مذاهب جعفری شامل حال شفقت و رستگاری در دنیا و آخرت برای زن و مرد هر دو هست...» («عالم نسوان»، ۱۳۰۲، ۳).

در این میان اگر انتقادی می‌شد اسلام نشانه گرفته نمی‌شد بلکه علمای مذهبی مقصر دانسته می‌شدند. به عنوان نمونه در مقاله‌ای تحت عنوان «تعدد ازواج» به این مسئله پرداخته شده و نویسنده می‌گوید

مثلاً ۳۸۰ میلیون مسلمان دنیا صیغه را حرام و مخالف با آیین اسلام می‌دانند ولی یک عده‌ی معدود که مابین علمای خودشان هم اختلاف است یک آیه هیچ دخلی به موضوع ندارد سند قرار داده صیغه‌ی یک ماهه یک روزه و یک ساعته را جایز دانسته‌اند («تعدد ازواج: صیغه‌بازی»، ۱۳۰۸: ۵۸-۵۷).

قبل از دوره‌ی رضاشاه انجمن‌ها و گروه‌های زنان برای کسب مشروعیت اجتماعی و حفظ حیاط خود، تربیت زنان و دختران را بر اساس شریعت اسلامی اعلام می‌کردند (بامداد، ۱۳۴۷: ۴۷). اما به تدریج هر چه از دوران اولیه این انجمن‌ها می‌گذشت از شعایر اسلامی آن کاسته شد که آن به دلیل ورود مفاهیم غربی به کشور بود (بامداد، ۱۳۴۷: ۷-۸). از طرف دیگر نشریات این دوره در پوشش حقوق و آزادی زنان مطالبی را به چاپ می‌رساندند که در برخی موارد با دستورات دینی در تضاد بود و با واکنش عمومی روبرو می‌شد. به عنوان مثال زمانیکه روزنامه

زبان زنان در اصفهان در شماره پنجم خود، مقاله‌ای تحت عنوان لزوم آزادی زنان و کشف حجاب مطرح کرد فشار افکار عمومی مدیر مجله را مجبور به تبعید کرد. مجله جهان زنان در مشهد نیز با همین مسئله روبرو شد (ناهد، ۱۳۶۰: ۲۵-۲۶)

یکی دیگر از زمینه‌های ایجاد جنبش فمینیسم در اروپا، پیدایش حکومت‌های دموکراتیک بود که با توجه به مبانی فلسفی خود باید به حقوق شهروندی همه‌ی مردم اهمیت می‌دادند و آزادی و سایر حقوق اساسی را برای همه از جمله زنان طراحی می‌نمودند (علاسوند، ۱۳۸۲: ۱۸). در ایران اما حکومت دموکراتیکی وجود نداشت که زنان بتوانند در زیر چتر آن رشد کنند. روی کار آمدن رضاشاه و رویکرد تجددخواهانه‌اش تا حدی توانست وضعیت زنان را در ایران و در ارتباط با کشورهای دیگر بهبود بخشد اما نوع حکومت او، کمکی به زنان و حقوق اجتماعی آن‌ها نکرد. البته می‌توان گفت فعالیت‌های زنان در ابعاد دیگری رشد و گسترش یافت و آن در قالب تشکیل مجامع و کنگره‌های مربوط به زنان بود که در ابتدا جنبه‌ی کشوری و منطقه‌ای داشت و بعدها ابعاد بین‌المللی یافت (فتحی، ۱۳۸۳: ۲۵). به عنوان نمونه می‌توان به کنگره‌ی نسوان شرق در دمشق و ایران اشاره کرد.

۵. مطالبات فمینیستی زنان

هدف اصلی فمینیست‌های ایرانی، مبارزه با وضعیت فرودست زنان و دفاع از حقوق زنان ایرانی بود. از جمله حقوق و خواسته‌هایی که فمینیست‌های ایرانی در میانه‌ی دو جنگ جهانی به دنبال آن بودند آموزش و تحصیل، بهداشت، حق رأی، آزادی و برابری و خانه‌داری و فرزندداری و مسائلی از این دست بود. به دلیل جلوگیری از تکرار و محدودیت مقاله، مهم‌ترین این خواسته‌ها که توسط زنان و مردان روشنفکر در مورد زنان و البته تحت تأثیرپذیری از جریان مشابه در غرب، در جراید آن عصر مطرح شد، مورد توجه قرار گرفته است و در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

مهم‌ترین نشریاتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند عالم نسوان، زبان زنان، شفق سرخ، نامه‌ی فرنگستان، کاوه، ایرانشهر، اقدام، اطلاعات، ستاره‌ی ایران و نشریاتی از این دست می‌باشند که نظرات موافق و مخالفی در مورد مطالبات زنان و فعالیت فعالان حقوق زن در ایران و جهان در آن‌ها به چاپ رسیده است. با مطالعه‌ی نشریات میانه‌ی دو جنگ جهانی این استنباط می‌گردد که در مورد زنان اظهارنظرهای زیادی صورت گرفته است اما در موضوعات مورد بحث در پژوهش انجام شده نظرات متفاوتی توسط افراد مختلفی از

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۹۳

روشنفکران زن و مرد که عموماً دانشجویان فرنگ رفته و فارغ‌التحصیل غرب بودند صورت گرفته است. به دلیل اینکه بیشتر این تحصیل‌کردگان آقایان بودند، لذا اظهار نظر آنان در این زمینه بیشتر است. همچنین در مواردی نیز معلمان و مدیران مدارس و یا در یک مورد مغازه‌دار مشاهده می‌شود که در این مورد ارائه نظر نموده‌اند. در نتیجه بر اساس مطالعات انجام شده و بررسی روزنامه‌های دوره‌ی مورد بحث، نمی‌توان این نظرات را به گروه خاصی چون روشنفکران، سیاستمداران و یا زنان محدود کرد چرا که طیف متنوعی از افراد در این بازه زمانی اظهار نظر کرده‌اند.

علاوه بر این باید اشاره کرد چون موج این جریان به آن شکل و معنا که در اروپا تحقق یافت، در ایران شکل نگرفت، نمی‌توان افراد و اشخاص بارزی را به عنوان چهره‌های برجسته‌ی موج فمینیسم در ایران معرفی کرد. چنانکه گفته شد در دوره‌ی مورد بررسی زنان و مردان فعال و روشنفکری از طیف‌های مختلف فکری و شغلی بودند که در روزنامه‌ها و نشریات در مورد زنان و پیشرفت‌های فکری جامعه‌ی اروپا و آمریکا می‌نوشتند و آن را با جامعه‌ی ایران و وضعیت زنان مورد بررسی قرار می‌دادند.

تنها فردی که می‌توان به عنوان چهره‌ی شاخص این دوره معرفی کرد صدیقه دولت‌آبادی است زیرا که در مورد مطالبات زنان بیشترین اظهارنظر و فعالیت را داشته است. خانم دولت‌آبادی نیز هرگز خود را فمینیسم معرفی نکرده و از عنوان فمینیسم برای فعالیت‌های خود استفاده نبرده است، اما خانم مری وینسر (Mary Winsor) - از فعالان حقوق زنان که زمانی که در پاریس سرگرم تبلیغ برای «اتحادیه‌ی بین‌المللی حق رأی زنان» بود با صدیقه دولت‌آبادی آشنا شد - معتقد است که دولت‌آبادی فعالیت‌ها و گرایش‌های فمینیستی داشت و همچنین روزنامه‌ی زبان زنان را یک روزنامه‌ی فمینیستی معرفی می‌کند (صنعتی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۷۹). بنابراین می‌توان گفت فعالیت‌های اولیه‌ی زنان از تأسیس مدرسه تا انتشار نشریات و نوشتن کتاب و اجرای تئاتر نیز هرگز توسط فعالان حقوق زن به عنوان فعالیت‌های فمینیستی مطرح نشد و بعدها این نام بر آن‌ها نهاده شد یا توسط فعالان حقوق زن چون خانم وینسر بر آن‌ها گذارده شد. همچنین باید خاطر نشان کرد این افراد با وجود این که از عنوان فمینیست استفاده نکرده‌اند اما به شدت تحت تأثیر این جریان بوده‌اند و همانطور که در بالا اشاره شده است بنابر نظر حسن نفیسی، افکار فمینیستی و تأثیرپذیری از آن در این زمان به نوعی مد روز شده بود.

۱.۵ حقوق سیاسی و حق رأی

یکی از خواسته‌های اصلی زنان در موج اول، برابری زن و مرد در تمام حقوق سیاسی از جمله داشتن حق رأی همانند مردان بود (دولتی و غیره، ۱۳۸۸: ۳۹). زنان ایرانی بر اساس دستاوردهای زنان غربی سعی داشتند تا به این حق خود دست یابند. دولت‌آبادی از جمله فعالان زنی بود که معتقد بود قوانین توسط مردان، در مورد مردان و به نفع مردان تنظیم شده است. وی ضمن اشاره به عاطفه‌گرایی زنان در سیاست و تأکید بر روحیه‌ی صلح‌طلبانه‌ی ذاتی آن‌ها، در اعتراض به محروم بودن زن ایرانی از حق رأی نوشت

ما خیلی افسوس داریم که برادران ما وقتی [نظام‌نامه‌ی] انتخابات مجلس و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدیہ را می‌نوشتند برای این که ما زنان حق رأی نداشته باشیم و شرکت نجویم، ما را در ردیف قاتل‌ها، مجانین و ورشکستگان نوشتند! (دولت‌آبادی، رجب ۱۳۳۸، ۲).

مردان روشنفکری چون تقی‌زاده نیز به دفاع از حق رأی زنان پرداخته و طی مقاله‌ای در مجله‌ی کاوه اقدام بزرگ آمریکا و اروپا را اعطای حق رأی به زنان می‌ستاید (تقی‌زاده، ۱۲۹۰: ۲). دیدگاه دیگری وجود داشت که اگرچه خواستار حضور زنان بودند اما آن را در شرایط فعلی مناسب نمی‌دیدند. این دسته مداخله در امور سیاسی در شرایط کنونی جامعه را دور از دسترس می‌دانستند. عالم نسوان در مقاله‌ای با عنوان «ترقی نسوان»، بی‌توجهی مردان نسبت به این موضوع را بیش از آن که امری الهی باشد ریشه در سنن جامعه می‌داند و اعتقاد دارد که گذشت زمان موضوع را حل خواهد کرد و همانگونه که مردان جامعه در برابر حق تعلیم و تربیت زنان کوتاه آمده‌اند، سرانجام در برابر خواست زنان مبنی بر شرکت در امور سیاسی کشور تمکین خواهند کرد («ترقی نسوان»، ۱۳۰۲: ۲۵-۲۲).

یکی از راه‌هایی که زنان به طور غیرمستقیم موضوع حق رأی را پیش کشیدند، چاپ اخبار مبارزات زنان برای حق رأی در کشورهای اروپایی بود که زنان ایرانی را غیرمستقیم به تلاش برای احقاق حقوق سیاسی خود فرا می‌خواندند («جهان زنان»، ۱۲۹۹: ۶؛ «خلاصه‌ی مقالات یک خانم بلژیکی»، ۱۳۱۱: ۸-۳). البته با وجود تلاش زنان برای احقاق حق رأی، جامعه سنتی ایران به هیچ عنوان این حق را برای زنان قائل نبود و با آن به مخالفت پرداخت. اما از آنجا که جنبش جانب‌داری زنان در غرب اعطای حق رأی به زنان را در ایران پیگیری می‌کرد و مذاکرات مجلس در مورد اعطای حق رأی به زنان در نشریه تایمز لندن منتشر می‌شد. مجلس

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۹۵

ضروری دانست تا آن را به صورت علنی مطرح سازد ولی با مخالف نمایندگان مجلس مواجه شد (آفاری، ۱۳۷۷: ۵۷).

هرچند به نظر می‌رسد در این زمان هم در کشورهای غربی مخالفت‌هایی با حضور زنان در سیاست وجود داشت و این کار زنان ایرانی برای رسیدن به این مهم را سخت‌تر می‌کرد. چنانکه نویسنده‌ی مقاله‌ای می‌گوید

هنوز در جوامع اروپایی همیشه داد و فریادهای مخالفت‌آمیزی بر علیه دخالت نسوان در امور سیاسی بلند است و متفکرین آن‌ها کاملاً ملطفت جریان خطرناک آن هستند زیرا به طور کلی خمیره‌ی زن برای کارهای دیگری که طبیعت در وجود او تعبیه نموده ساخته شده است (ثابتیان، ۱۳۱۰: ۳).

همچنین در نشریه‌ی آینده فردی به اسم آقای ترقی به نظرات مخالف غربی‌ها به حضور زنان در سیاست اشاره می‌کند و از خانمی به اسم ماری کولی نویسنده‌ی مشهور انگلیسی و آقای شارل ژارفس رمان‌نویس مشهور صحبت می‌کند که معتقد هستند زن برای مهربانی و عطف آفریده شده است و باید در کار خانه و بچه‌داری حضور داشته باشند و سیاست را به مردان واگذار کنند (ترقی، ۱۳۰۵: ۶۶۶-۶۶۵).

مخالفت با حضور زنان در سیاست از سوی مردان بیشتر دیده می‌شود و به نظر می‌رسد این موضوع حتی برای روشنفکران مرد هم قابل قبول نبود. کسروی از مخالفان جدی در این زمینه بود و به انتقاد از کسانی می‌پردازد که از حقوق زنان دم می‌زنند و خواهان عضویت زنان در پارلمان و سایر انجمن‌ها هستند و بیان می‌کند

ای نادان مگر خدا زنان را برای این کارها آفریده؟! مگر این اندازه نادانید که فرقی را که میان آفرینش زنان با آفرینش مردانست در نمی‌یابید؟!... ای نادانان! آفریده‌ای که خدا او را مادر آفریده و باید بچه زاییده و آن زاییده‌ی خود را در آغوش خویش بزرگ گرداند چنین آفریده چگونه می‌تواند عضو پارلمان یا بلدیة باشد؟ (کسروی، ۱۳۱۳: ۲۳۴-۲۳۳)

نحوه‌ی برخورد با نشریات زنان، مخالفت جدی با ورود زنان به سیاست را ملموس‌تر می‌کند. به عنوان نمونه مجله‌ی زبان زنان با ورود به حوزه‌هایی مانند سیاست و با نقد و بررسی عملکرد دولت‌های وقت و نگارش مقالاتی تند و مهیج مانند «زننده باد قلم» (دولت‌آبادی، ۲۴ ذی‌الحجه ۱۳۳۷: ۱-۲) و «سرنگون باد استبداد» (دولت‌آبادی، ذی‌الحجه ۱۳۳۷: ۱-۲) پا به عرصه‌ای گذاشت که ورود آن برای زنان ممنوع بود. این خط‌مشی زبان زنان برای آن به قیمت

گزافی تمام شد و به توقیف آن انجامید. بهانه‌ی توقیف آن، مقاله‌ای بود در مورد اختیارات هیأت حاکمه و لزوم تصمیم‌گیری‌های اساسی توسط مجلس شورای ملی و همچنین اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹م (دولت‌آبادی، ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹: ۲). توقیف و برخورد قاطعانه با مشارکت‌طلبی سیاسی زنان موجب شد تا برخی از نشریات زنان، برای تداوم حیات خود کمتر به مسائل سیاسی بپردازند چنان‌که یکی از دلایل تداوم عالم نسوان و ترتیب منظم انتشار آن همین موضوع است «مقصود ما مداخله در امور سیاسی مملکتی نیست و یگانه چیزی هم که تا به حال توانسته است مجله‌ی عالم نسوان را از مخاطراتی که سایر مطبوعات را احاطه نموده، محافظت نماید همین عدم دخالت در سیاست است» (عالم نسوان، شهریور ۱۳۰۲: ۱-۲)

۲.۵ آزادی و برابری اجتماعی

آزادی زنان و حضور در اجتماع و دستیابی به حقوق فردی و اجتماعی مهم‌ترین موضوعاتی بودند که روشنفکران زن و مرد به آن پرداختند. مقالات زیادی در مورد آزادی زنان مانند آزادی در اجتماع، حق کار و اشتغال، حق مالکیت در نشریات این دوره منتشر شده است. در این مورد موافقان و مخالفان متعددی وجود داشت و بعضی افراد مخالف آزادی زنان بودند و آن را تقلید از غرب می‌دانستند. در مقابل تعدادی موافق آزادی زنان بودند و با آوردن مثال‌هایی از آزادی زنان اروپایی، لازمه‌ی جامعه‌ی موفق را آزادی زنان در کنار مردان می‌دانستند.

مخالفان آزادی زنان، آزادی آن‌ها و حضور در اجتماع را به خوشگذرانی تعبیر کرده‌اند چنانکه مقاله‌ای با عنوان «حدود و حقوق زنان در ایران» در این مورد می‌نویسد: «... فکر می‌شده که وقتی زن آزاد باشد به خیابان‌ها و باغ‌ها رفته و به دنبال خوشگذرانی است یا اینکه در سینما مشغول تماشای فیلم است» (جعفریان، ۱۳۰۹: ۲). افرادی نیز بودند که با نگاه سنت‌گرایانه‌ی خود آزادی زن را به رفع حجاب تقلیل می‌دادند. چنانکه فردی به اسم غلامحسین بوربور در این مورد می‌نویسد: «آزادی نسوان چیست؟ تعبیر آن فعلاً در ایران رفع حجاب و در ممالک اروپا عهده‌دار شدن وظایف فعلی مردهاست...» (بوربور، ۱۳۰۹: ۳)

برخی روشنفکران مانند کسروی با نگاه سطحی‌تری آزادی زنان را به ارتباط آن‌ها با مردان و بیگانگان تقلیل می‌دهد و می‌گوید «مقصود از این آزادی چیست؟ مگر زنان را در بند می‌داریم؟ یا آنان را برده می‌شماریم؟». او سپس به انتقاد از افرادی می‌پردازد که درباره‌ی حقوق زنان صحبت می‌کنند «جهان از این مغزهای سبک ویران است. مگر زنان برای این کارها آفریده شده‌اند؟! یا آیا این کارها زینده‌ی زنان می‌باشد؟!» (کسروی، بهمن ۱۳۱۲: ۱۶-۱۵). بعضی

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۹۷

مخالفان آزادی زنان، «اقتضای وقت» را بهانه کرده و می‌گویند هنوز وقت آن نرسیده که به زنان آزادی و برابری داده شود (نامور، ۱۳۱۰: ۳).

یکی از مبانی آزادی زنان در این زمان حضور در جامعه بود زیرا این اعتقاد وجود داشت که اجتماع باعث رشد و تکامل اخلاقی آن‌ها می‌شود. قبلاً حضور زنان در مراسم روضه‌خوانی، مراسم عزا و نهایتاً مراسم اعدام بود. نویسندگانی با اشاره به این امر، شرکت زن در اجتماع و تئاتر و سینما را لازمی تربیت و تصفیه‌ی اخلاقی زنان می‌دانند. البته موضوع آموزش و تربیت زنان در این جا مطرح می‌شد زیرا آموزش لازمی ورود آن‌ها به اجتماع دانسته می‌شد («زن در اجتماعات»، ۱۳۰۴: ۱).

مسئله‌ای که فمینیست‌ها به آن تأکید داشتند، برابری زن و مرد بود و سعی می‌شد که نشان دهند که نابرابری‌های میان زنان و مردان نه نتیجه‌ی تفاوت طبیعی بلکه ناشی از تأثیر محیط و به ویژه حاصل این واقعیت است که زنان از آموزش محرومند (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۲۴۹؛ اسحاقی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۵). هرچند در ایران مخالفان زیادی با این موضوع وجود داشت و با نوشتن مقالات متعدد سعی در عادلانه نشان دادن وضعیت زنان داشتند و اظهار می‌داشتند «تفکیک وظایف زن و مرد اختیاری نبوده و رجحانی هم به یکدیگر ندارند به خودی خود ثابت می‌شود که این تقسیم عادلانه است و هیچ یک حق شکایت و تجاوز از وظایف خود را ندارند» («آزادی زن»، ۱۳۰۹: ۳). نویسندگانی به نام شکیبیا در توجیه عادلانه بودن جایگاه زنان به تاریخ استناد می‌کنند که از ابتدای خلقت بشر تا به امروز حکومت کردن و اداره‌ی امور زندگی با مردان بوده است. او تفاوت مردان و زنان را ناشی از قدرت طبیعت می‌داند (شکیبیا، ۱۳۰۶: ۳) و اینکه اگر تعدادی زن وکیل، وزیر، سفیر، شاعر هم وجود دارند دلیل بر این نیست که برتری دارند و «افراد نادر را نمی‌شود میزان حکم و تصور قرار داد... در تاریخ گذشته‌ی بشر تمام کارها به دست مرد بوده است و زن‌ها همان وظایف طبیعی خود را انجام می‌داده‌اند» (سیاوش، ۱۳۰۹: ۳). در مقابل نویسندگانی مثل احمد فرهاد برای اثبات این برابری از خانم‌هایی مثل ماری کوری و خانم برتای آلمانی کاشف توپ‌های برتا نام می‌برند و فرهاد در این مورد می‌گوید «اگر زن را در زندگانی شرکت ندهید مانند آن است که یک دست خود را عمداً فلج کرده باشد: آری دست راست را» (فرهاد، ۱۳۰۳: ۱۳).

به طور کلی مخالفان، تعداد معدودی بودند که تحت تأثیر غریبان زنان و مردان را مساوی می‌دانستند و معتقد بودند در دنیای متمدن هم این رویه وجود دارد و همانطور که اشاره شد تفاوت فاحش زنان و مردان در ایران را ناشی از تربیت و آموزش آن‌ها می‌دانستند (اجتماعیات:

زن-وفا»، ۱۳۰۵: ۱) کاظمی در این مورد می‌نویسد «زن ایرانی به هیچ وجه از حیث ساختمان دماغی و خلقت طبیعی از سایر زنان عالم کمتر نیست. زنان ایرانی تربیت لازم ندارند» (کاظمی، ۱۳۰۳: ۶۳) و افرادی با توجه به اهمیت مادر در تربیت فرزندش اشاره می‌کنند اگر به این عقیده داشته باشیم که اولین مدرسه‌ی کودک مادر است «در این صورت مخالفت با آزادی و تربیت صحیح این جنس را جز به مخالفت با سعادت نسل آینده به چه می‌توان تعبیر کرد؟» (نامور، ۱۳۱۰: ۳).

صدیقه دولت‌آبادی که شعار تساوی زن و مرد را در همه‌ی حقوق شعار اصلی خود قرار داده بود، معتقد بود «هرکدام از ملل که این نکته‌ی مهم را زودتر درک کرده و تساوی حقوق نسوان را منظور داشته و اسباب ترقی آنان را فراهم کردند، گوی سبقت ربوده و به سعادت نایل شدند» («ترقی نسوان»، ۱۳۳۸: ۱). پرویز کاظمی درباره‌ی عدم برابری بین زن و مرد سخن می‌گوید و از جایگاه بالای زنان اروپایی می‌نویسد

چرا می‌گویند جامعه‌ی اروپایی بر روی اصول تساوی و عدالت قرار گرفته؟ زیرا در این محیط زن و مرد مساوی و هر فردی موظف است که به قدر قوه‌ی خود در تهیه‌ی خوشبختی دیگری سعی کند. در ممالک متمدنه زن آزاد بوده و به هیچ وجه نمی‌خواهد از مرد عقب‌مانده هرکاری که مردان می‌کنند زنان نیز از عهده‌ی آن برآیند. از اول تا آخر جامعه‌ی اروپایی، از پست‌ترین کارها تا مهم‌ترین مشاغل میان زن و مرد تقسیم شده است (کاظمی، ۱۳۰۳: ۶۰).

۳.۵ حق شغل و کار

یکی از مطالبات اصلی زنان فمینیست چه در غرب و چه در ایران حق اشتغال بود. بنابراین یکی بحثی که در این دوره بین روشنفکران زن و مرد شکل گرفت مسئله‌ی کار زنان و برابری شغلی با مردان بود که تعدادی موافق و تعدادی مخالف این رویه بودند. موافقان به زنان اروپایی و آمریکایی اشاره می‌کنند و با الگو قرار دادن آن‌ها، از کار کردن زنان دفاع می‌کنند. فخر عادل سردبیر روزنامه‌ی آینده‌ی ایران درباره‌ی کار زنان غربی می‌نویسد که علاوه بر بچه‌داری و خانه‌داری در بیرون از خانه هم شغلی دارند که به معیشت خانواده کمک می‌کند (فخر عادل، ۱۳۱۱: ۲). در واقع نشریات زنان در دوره‌ی مورد پژوهش، سعی بر این داشتند تا با نوشتن مقالاتی جامعه‌ی سنتی را متقاعد کنند که زنان هم می‌توانند در کنار مردم در جامعه حضور داشته باشند. در همین راستا نشریاتی مثل زبان زنان هم خواستار اصلاحات و رعایت برابری و

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۹۹

مساوات در مشاغل زنان بودند و مجله‌ی جمعیت نسوان وطن خواه نیز اشتغال زنان در کنار مردان را گام ضروری برای تحقق نوسازی جامعه‌ی اقتصادی ایران می‌دانست (دولت‌آبادی، ۱۳۰۱: ۵۶؛ جمعیت نسوان وطن‌خواه، ۱۳۰۳: ۱۰). عالم نسوان نیز به انتقاد از مردانی می‌پردازد که فقط شغل زن را خانه‌داری و بچه‌داری می‌دانند. عالم نسوان این تفکر را خرافی دانسته و معتقد است که این اعتقادات زنان را محدود کرده و به آن‌ها اجازه‌ی کار بیرون از خانه را نمی‌دهد و باعث می‌شوند نیروی زنان با کارهای بی‌فایده در خانه هدر برود (سمیعان، ۱۳۰۵: ۹۲-۹۰)

در راستای ورود زنان به بازار کار یکی از راه‌های پیشنهادی زنان برای دستیابی به فرصت‌های شغلی، این بود که دروسی مربوط به حرف و صنایع دستی زنانه به برنامه‌ی درسی دختران اضافه گردد و برای تشویق و ترغیب آن‌ها به زنان اروپایی و اشتغال‌زایی که در این زمینه صورت می‌گیرد اشاره می‌کند

در فرانسه و لندن اغلب اسباب زینت و گلدوزی و طوری و جوراب و دستکش و پیراهن و شلوار و سایر اسباب‌های خرازی‌فروشی از زیردست دخترها و زنان بیرون می‌آید... خیلی خوب است که در مدارس دوشیزگان به علاوه‌ی تحصیلات علمی، ترتیب تحصیلات صنعتی هم تدارک نمایند («عوامل النساء»، ق ۱۳۳۳: ۲).

به نظر می‌رسد نگرش مردسالار جامعه نسبت به اشتغال زنان، بعد از جنگ جهانی اول، تا حدودی تعدیل یافته بود. تجربه‌ی زنان اروپایی در دوران جنگ جهانی اول موجب شد تا برخی مردان نیز بر ضرورت اشتغال زنان تأکید کرده و به موانع شغلی زنان اعتراض کنند (بروجردی، ۱۳۰۳ ش: ۳۲). از جمله‌ی فردی نداشتن شغل زنان را دلیل بر از دست دادن عفت و شرافت زنان می‌دانست. زیرا اعتقاد داشت نبود شغل باعث می‌شود که زنان مجبور به ازدواج اجباری شوند تا از این طریق هزینه‌ی زندگی‌شان فراهم شود و اگر ازدواج نکنند «یا باید از گرسنگی تلف شده یا ترک عفت و شرافت نمایند» (فروهر، ۱۳۰۵: ۱). روزنامه‌ی شفق سرخ در مورد کار زنان نوشت: بیکار ماندن زن‌ها در دنیای امروزه مطابق شرافت ذاتی و موافق منافع بشر نیست. در خیلی از کشورهای دنیا به دلیل شرایط زندگی، زن‌ها را وادار به کمک کردن به مردها کرده‌اند و آن‌ها وارد کارهایی شده‌اند که مردانه می‌باشد. هرچند این روزنامه ضمن تأکید زنان در کارهای مشخص، وارد شدن زنان به کارهای مردانه را صدمه به خود زنان می‌داند («چه کارهایی برای زن متناسب است»، ۱۳۰۹: ۳)

اما به طور کلی این خواسته‌ی زنان با مخالفت جدی جامعه‌ی سستی و حتی روشنفکران روبه رو شد. نمونه‌ی مشخص روشنفکران احمد کسروی بود که برخلاف نظرات غرب‌گراهایش، نظرات اروپاییان را قبول نمی‌کند و معتقد است کارهای زن و مرد نباید تداخل داشته باشد

خدا زنان را برای کارهایی آفریده و مردان را برای کارهایی، زنان نباید جز به کارهای زنانه برخیزند... آنچه زن را رسوا کرده مشیت او را و می‌کند به کارهای مردانه برخاستن است. این که اروپاییان زنان را به پیشه‌های مردانه بر می‌گمارند این خود خطای ایشان است (کسروی، ۱۳۱۲: ۲۱-۲۲).

مخالفان در بعضی موارد ضمن تعریف از وضعیت زنان غربی و مشارکت زنان و مردان در کارها و حفظ حقوق اجتماعی زنان اروپایی، این شیوه را در ایران به دلیل شرایط متفاوت با کشورهای غربی و طرز زندگی متفاوت با آن‌ها نمی‌پسندیدند چنانکه نشریه‌ی بیداری اشاره می‌کند اگر تاکنون در ایران زن دارای مشاغل عمومی و استخدام رسمی دولتی نبوده است

علت همانا کمی کار بوده که به اندازه‌ی مردان هم یافت نمی‌شده چه رسد به زنان و در بعضی ممالک اروپا مانند انگلستان موضوع به عکس بوده است. به هر حال احتیاجات هر جامعه و محیط را باید در نظر آورد و طبق آن عمل کرد («زن باید در امور شریک مرد باشد»، ۱۳۱۴: ۲).

مخالفان از سویی بر این عقیده بودند که زن‌ها آموزش لازم را ندیده و نمی‌توانند کار کنند چون خود مردها هم مهارت کافی در بیشتر شغل‌ها را ندارند در نتیجه نباید چنین انتظاری از زنان وجود داشته باشد و از سویی دیگر عدم توانایی و هوش پایین زنان را برای کار کردن بهانه قرار داده بودند. هما عظیمی ضمن مخالفت با این تفکر در مقاله‌ای اشاره می‌کند که زنان اروپایی مربی دارند و در زمینه‌ی کاری خود آموزش می‌بینند ولی در ایران ما چنین چیزی نداریم. در نتیجه نمی‌توان گفت زنان اروپایی هوش و استعداد زیادتری نسبت به زنان ایرانی دارند (عظیمی، ۱۳۰۲: ۴).

۴.۵ خانه‌داری و فرزندداری

فمینیست‌ها معتقدند کار پرورش و تغذیه در عین حال که به زنان تحمیل شده، از منابع ویژه‌ی قدرت زنان نیز هست (هام و گمبل، ۱۳۸۲: ۲۶۹). همچنین در نظریه‌های فمینیستی تأکید

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۱۰۱

جامعه‌پذیری جنسیتی بیشتر بر رفتار فرد مراقب کودک - مادر - است (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۹۰). چنین نگرشی را در تفکرات زنان این دوره نیز می‌توان مشاهده کرد. آن‌ها ضمن آن‌که زنان را امتداد دهنده‌ی حیات بشری می‌دانستند (سمیعی، ۱۳۰۰: ۲۳-۲۲)، اعتقاد داشتند که مهم‌ترین کار زنان در جهان مادری است (جمعیت نسوان و وطن‌خواه ایران، ۱۸ تیر ۱۳۰۴: ۳۰). صدیقه دولت‌آبادی از زنان روشنفکری بود که بر تقدس مادری تأکید کرده، به این مسئله اشاره می‌کند که زنان به دلیل وظیفه‌ی مادری‌شان باید در مقابل فشارهای نامناسب مورد حمایت قرار بگیرند زیرا تربیت نسل آینده توسط آن‌ها انجام می‌گیرد (دولت‌آبادی، ۱۳۰۳: ۴۰-۳۸)

مردان روشنفکر نیز نقش مادری و خانه‌داری زنان را بهترین نقش زن تعریف می‌کنند چنانکه کاظم‌زاده در ایرانشهر سه وظیفه‌ی اصلی را برای زن بر می‌شمارد «مادر شدن، تربیت اولاد و خانه‌داری». او مادر شدن و تکثیر نسل را عالی‌ترین و سخت‌ترین وظایف اجتماعی زن برشمرده و در اهمیت آن می‌نویسد:

اگر همه‌ی وظایف و شئون زن را کنار بگذاریم و فقط این را در نظر بگیریم که زن در تولید بچه دچار چه زحمات و دردها و سختی‌ها می‌شود و با چه متانت و تحمل آن‌ها را در می‌آورد، همین ملاحظه کافی خواهد بود که ما او را شایسته‌ی احترام و پرستش بدانیم (ایرانشهر، ۱۳۰۳: ۷۳۱).

کاظم‌زاده «تربیت اولاد» را هم وظیفه و هم هنر زن قلمداد می‌کند (ایرانشهر، ۱۳۰۳: ۷۳۴). در مورد «خانه‌داری» که سومین وظیفه‌ی مهم زن است، کاظم‌زاده می‌نویسد:

از آنجا که خانه‌آشپانه‌ی محبت و یگانگی و انس است باید طوری اداره و مرتب شود که به منزله‌ی پناهگاهی گردد از دست زحمات مشتقات خارجی که هر روز به ما حمله می‌کند و نگاه داشتن خانه در این حال، سپرده‌ی دست زن است چه او امر مطلق و فرمانروای خانه است (ایرانشهر، ۱۳۰۳: ۷۳۷)

فعالان حقوق زنان بر این نکته تأکید داشتند که کار خانه‌داری از نظر صرف وقت و انرژی نوعی شغل محسوب می‌شود اما فاقد دستمزد و ساعات کار مشخص است. البته این نه از روی گله و شکایت بلکه به منظور تقدس بخشیدن به کار خانگی زنان بود. از نظر زنان تجددطلب خانه‌داری مطلوب و صحیح بر بنیان آگاهی و برنامه‌ریزی قبلی قرار داشت و در این رابطه برخی از زنان الگوی خانه‌داری به شیوه‌ی فرنگی را پیشنهاد می‌کردند (محمودی، مهر ۱۲۹۹: ۱۰). مجمع فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی آمریکایی نیز کنفرانس‌هایی را به موضوع لزوم فن

خانه‌داری در مدارس عالی و ابتدایی با سخنرانی مسیز بویس (آنی استاکینگ بویس) برای زنان ایرانی ترتیب می‌داد («کنفرانس برای خانم‌ها»، دی ۱۳۰۱: ۱۸). در ارائه‌ی شیوه‌های نوین خانه‌داری، ترجمه‌ی مقالاتی از روزنامه‌ها و مجلات اروپایی نیز به چاپ می‌رسید (سپانلو، اردیبهشت ۱۳۰۰: ۱۲)

فخر آفاق پارسا در مقاله‌ای در جمعیت نسوان وطن‌خواه، علاوه بر مقایسه‌ی محتوایی درسی دختران در ایران و اروپا، خواستار این بود که خانه‌داری به دروس دختران اضافه گردد (پارسا، ۱۳۰۳: ۵۰-۴۵) کسروی با نگاه افراطی‌تری ضمن دفاع از تحصیلات زنان و تأکید بر تفاوت دروس پسران و دختران، سواد آن‌ها در خانه‌داری خلاصه می‌کند و معتقد است کتاب‌هایی که زنان می‌خوانند باید در این زمینه باشد

زنان را باید جز درس خانه‌داری نیاموخت و آنان را از خواندن رمان‌ها و افسانه‌ها بازداشت... شگفتا از کسانی که به دختران جبر و مقابله می‌آموزند یا با یاد دادن زبان‌های اروپایی عمر گرانبهای ایشان را هدر می‌سازند... شگفتا از مردانی که برای زنان و دختران خود رمان‌های عاشقانه می‌خرند یا آنان را شیفته‌ی سینما و تئاتر ساخته لרزه بر بنیاد پاکدامنی ایشان می‌اندازند! (کسروی، ۱۶ بهمن ۱۳۱۲: ۱۵-۱۴؛ کسروی، بهمن ۱۳۱۲: ۱۶-۱۵)

به طور کلی نشریات زنان در دوره‌ی پهلوی نیز هنگام بحث در مورد اشتغال زنان، وظایف وی در خانه را در اولویت قرار می‌دادند و عقیده داشتند زن در خانه و اجتماع وظایف متفاوتی دارد که وظایف وی در خانه بر اجتماع تأثیرگذار است. اما توسط تعداد معدودی جریانی در این زمان تحت تأثیر زنان اروپایی شکل گرفته بود که «مگر زن ماشین بچه‌داری است که شما می‌خواهید وظایف او را به همین یکی محدود کنید چه مانعی دارد که زنان نیز بکوشند تا از بین آنان مخترعین و مکتشفین بزرگ پیدا شود» (هرمزی، ۱۳۱۶: ۵).

به نظر می‌رسد که در این زمان در اروپا نیز همچنان یکی از دغدغه‌های اصلی، حفظ وظیفه‌ی مادری و بچه‌داری و خانه‌داری برای دختران می‌باشد. روزنامه‌ی اطلاعات با ترجمه‌ی مقاله‌ای از مجله‌ی بلک‌ود انگلیسی به این مسئله پرداخت. نویسنده‌ی مقاله معتقد است که دختر در کنار بازی و تفریح باید امور خانه‌داری را هم یاد بگیرد و نباید این کارها کسر شأن زنان باشد. مترجم دلیل ترجمه این مقاله را آگاه کردن زنان ایران و عدم تقلید کورکورانه از زنان اروپا می‌داند (روحانی بوشهری، ۱۳۰۹: ۱). عالم نسوان به تجربه‌ی مفید جامعه‌ی آمریکا در ارتباط با زنان و فرزندداری اشاره می‌کند و ضمن الگو قرار دادن آن در تربیت فرزند به مجالس

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۱۰۳

متعدد که برای مادران تشکیل می‌شد و همچنین چاپ کتاب‌های زیاد در ارتباط با فرزندداری زنان می‌پردازد (قائم مقامی، ۱۳۰۶: ۲۶۴-۲۵۸). روزنامه‌ی شفق سرخ هم از مقدس انگاشتن خانه‌داری و فرزندداری توسط زنان غربی صحبت می‌کند اما اشاره می‌کند که آن‌ها کار بیرون از خانه را هم ضروری می‌دانستند (آزادی زن، ۱۳۰۹: ۳). روزنامه‌ی فکر آزاد معتقد است که «قاطبه‌ی زنان اروپا شوهرداری و اداره خانواده را بر هر کاری مقدم می‌دانند» («زن اروپایی»، ۱۳۰۴: ۳۱-۳۰۹). نشریات ایرانی با انتشار اخبار مربوط به کشورهای غربی به نظر می‌رسد می‌خواهند به زنان ایرانی این مسئله را گوشزد کنند که علاوه بر کار، شغل اصلی زن خانه‌داری و بچه‌داری است (اطلاعات، ۱۳۱۵: ۲)

به طور کلی یکی از مواردی که هم زنان و مردان روشنفکر و هم افراد سنت‌گرا بر روی آن اتفاق نظر داشتند خانه‌داری و فرزندداری زنان بود. جامعه‌ی آن روز به نظر می‌رسد این نقش زن را نمی‌خواست و نمی‌توانست حذف کند و هنوز جامعه‌ی ایران توانایی و ظرفیت این که این نقش را در زنان محدود کند نداشت.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به معنای لغوی فمینیسم که جنبش جانبداری از حقوق زنان تعبیر می‌شود می‌توان نتیجه گرفت بعد از مشروطه و جنگ جهانی اول جنبشی در ارتباط با احقاق حقوق زنان شکل گرفت که توانست وضعیت زنان را به کلی دگرگون سازد. زمینه‌های شکل‌گیری فمینیسم در ایران با اروپا متفاوت بود اما در زمینه‌هایی چون فکر تجدد و مدرنیته و مداخله‌ی مذهب در همه‌ی امور می‌توان شباهت‌هایی پیدا نمود. نخستین بار طرح واژه‌ی فمینیست در ایران توسط روشنفکران مرد تحصیل کرده و فرنگ‌رفته انجام شد و زنان در تولید و پرورش اولیه این ایده زمینه‌نقشی نداشتند. مهم‌ترین دلیل آن شاید تعداد کم زنان فرنگ‌رفته و تحصیل کرده و حضور محدود آنان در فعالیت‌های اجتماعی و به دنبال آن عدم اظهار نظر درباره‌ی شرایط زنان باشد. روشنفکرانی که در جراید این دوره در مورد زنان اظهار نظر کرده‌اند از عنوان فمینیست استفاده نکرده‌اند و بعدها این نام بر آن نهاده شد اما به شدت تحت تأثیر این جریان بوده‌اند و بنابر نظر حسن نفیسی افکار فمینیستی به تأثیر از جو فکری آن زمان مد شده بود. اگرچه عنوان فمینیستی توسط محققان به این طیف از روشنفکران ایرانی نهاده شد، اما معنی و مفهوم آن را باید در مطالباتی دانست که توسط این روشنفکران مطرح شده است مانند: آموزش و تحصیل، بهداشت، حق رأی، آزادی و برابری، خانه‌داری و فرزندداری.

در این دوره بیشترین نقش را در آگاهی‌رسانی زنان، نشریات ایفا می‌کردند و سعی در آگاه ساختن زنان نسبت به حقوق اجتماعی خود داشتند. همه‌ی نظرات موافق و مخالف انعکاس داده می‌شد اما بیشتر جنبه‌ی آگاهی‌رسانی برای زنان را داشت. دیدگاه‌های فمینیستی را می‌توان در لابه‌لای مقالات منتشر شده در نشریات این دوره مشاهده کرد. تعدادی از خواسته‌های فمینیستی زنان غربی در ایران هم توسط روشنفکران زن و مرد پذیرفته شده بود و سعی می‌شد قوانین و خواسته‌های زنان فمینیست هم در ایران اجرا شود اما تعدادی از این مطالبات حتی توسط روشنفکرانی مثل کسروی هم قابل قبول نبود و آن را برای زنان ایرانی مناسب نمی‌دانستند و به نقد قوانین تصویب شده در ارتباط با احقاق حقوق زنان غربی بودند. در کل موضوع مطالبات زنان و جریان فمینیسم و الگوگیری از غربیان برای دستیابی به حقوق زنان راه طولانی را در پیش داشت و نظرات ثابتی در این مورد وجود نداشت.

کتاب‌نامه

- آشوری، داریوش (۱۳۸۴)، ما و مدرنیت، تهران: طراز.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۷)، انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: بانو.
- آقابابایی، اسماعیل و علی‌رضا شالباف (۱۳۸۲)، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی: ترجمه و نقد تعدادی از مقالات دایره‌المعارف فلسفی روتلیج، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان و مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی خاوران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۱)، اندیشه‌ی ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی.
- اسحاقی، سیدحسین و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵)، فمینیسم، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- افشار، ایرج (۱۳۵۱)، مقالات تقی‌زاده، تهران: بی‌نا.
- امین، سید حسن (۱۳۸۳)، کارنامه‌ی غنی، تهران: انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۷)، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران: انتشارات ابن سینا.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱)، فرهنگ واژه‌ها، قم: موسسه‌ی اندیشه و فرهنگ دین.
- خسروپناه، محمد حسین (۱۳۸۱)، هد فها و مبارزه‌ی زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، تهران: پیام امروز.

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۱۰۵

دولتی، غزالی، اکبرنژاد، هاله حسینی و حوریه حسینی اکبرنژاد (۱۳۸۸)، بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی، کلامی و آثار علمی فمینیسم، قم: دفتر نشر معارف.

روباتم، شیلا (۱۳۸۵)، زنان در تکاپو: فمینیسم و کنش‌های اجتماعی، ترجمه حشمت‌الله صباغی، تهران: پژوهش شیرازه.

رودگر، نرجس (۱۳۸۸)، فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (با حمایت سازمان ملی جوانان).

زاهد، سعید و بیژن خواجه نوری (۱۳۸۴)، جنبش زنان در ایران، شیراز: ملک سلیمان.

زمردیان، رضا (۱۳۷۳)، فرهنگ واژه‌های دخیل اروپایی در فارسی، آستان قدس.

زیبایی‌نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی (۱۳۹۱)، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم: مرکز نشر هاجر.

ساناساریان، الیز (۱۳۸۴)، جنبش حقوق زنان در ایران، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر اختران.

صنعتی‌زاده، مهدخت و افسانه نجم‌آبادی (۱۳۷۷)، نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها، تهران: انتشارات نگارش و نگارش زن

صنعتی، مهدخت و دیگران (۱۳۹۷)، حیات صدیقه (زمانه و کارنامه)، تهران: شیرازه.

عبدالحسین، ناهید (۱۳۶۰)، زنان در جنبش مشروطه، تبریز: احیاء.

علاسوند، فریبا (۱۳۸۲)، زنان و حقوق برابر، تهران: شورای فرهنگی.

فتحی، مریم (۱۳۸۳)، کانون بانوان با رویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت‌های زنان در ایران، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

کریاسی‌زاده، مرضیه (۱۳۸۴)، سیر تحولات اجتماعی زنان در یکصد سال اخیر ایران (از مشروطیت به بعد)، تهران: اکنون.

کریس بیسلی (۱۳۸۹)، چیستی فمینیسم، ترجمه‌ی محمدرضا زمردی، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

لگیت، مارلین (۱۳۸۹)، زنان در روزگارشان: تاریخ فمینیسم در غرب، ترجمه نیلوفر مهدیان، تهران: نی.

منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱)، مساله‌ی زن، اسلام و فمینیسم، به کوشش حجت‌الله محمدی شاهی، تهران: برگ زیتون.

منگنه، نورالهدی (۱۳۴۴)، سرگذشت یک زن ایرانی یا شمه‌ای از خاطرات من، بی جا: بی نا

مهریزی، مهدی (۱۳۷۸)، بولتن مرجع فمینیسم، تهران: الهدی.

وزیری، سعید (۱۳۹۳)، خاتون معارف ایران، تهران: کوشش پاینده.

وطن‌دوست، غلامرضا، مریم شیپیری و آفرین توکلی (۱۳۸۵)، زن ایرانی در نشریات مشروطه، تهران: موسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.

۱۰۶ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

هام، مگی وسارا گمبل (۱۳۸۲)، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر، فرخ قره‌داغی، نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر توسعه

نشریات

- «آزادی زن» (۱۳۰۹)، شفق سرخ، س ۹، ش ۱۷۰۵.
- «اجتماعیات: زن-وفا» (۱۳۰۵)، اقدام، س ۵، ش ۷۶.
- ایران‌شهر (۱۳۰۳)، س ۲، ش ۱۱-۱۲.
- «بدبخت زن در ایران» (۱۳۰۲)، ستاره ایران، س ۹، ش ۹۶.
- بروجردی، صادق (۱۳۰۳)، جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، س ۱، ش ۷ و ۸.
- بوربور، غلامحسین (۱۳۰۹)، «آزادی زن: احتراز از تقلید آمیخته به جهل»، س ۹، ش ۱۷۰۶.
- بهشتی، سعید و مریم احمدنیا (۱۳۸۵)، «تبیین و بررسی نظریه‌ی تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی، فصل‌نامه‌ی تربیت اسلامی»، ش ۳.
- پارسا، فخرآفاق (۱۳۰۳)، «زینت اصلی زن خانه‌داری است»، جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، س ۱، ش ۵ و ۶.
- ترقی (۱۳۰۵)، «زن و سیاست»، آینده، س اول، ش ۱۱.
- «ترقی نسوان» (۱۳۳۸ق)، زبان زنان، س ۲.
- «ترقی نسوان» (۱۳۰۲)، عالم نسوان، س ۴، ش ۲.
- «تعدد ازواج: صیغه‌بازی» (۱۳۰۸)، عصر پهلوی، س ۴، ش ۳.
- جعفریان، سقراط (۱۳۰۹)، «حدود و حقوق زن در ایران»، شفق سرخ، س ۵، ش ۱۲۵۹.
- جمعیت نسوان وطن‌خواه (۱۳۰۳)، س ۱، ش ۷ و ۸.
- جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران (۱۳۰۴)، س ۲، ش ۹.
- «جهان زنان» (۱۲۹۹)، نامه بانوان، ش ۴.
- «چه کارهایی برای زن متناسب است» (۱۳۰۹)، شفق سرخ، س ۹، ش ۱۶۷۹.
- «خانه‌داری» (از مجله‌ی خانه‌داری Hanswirtschaft منبغه‌ی وین نقلو از زبان آلمانی) (۱۳۰۰)، ترجمه‌ی هادی سپانلو، عالم نسوان، س ۱، ش ۵.
- «خدمات اجتماعی زن‌ها به عالم اجتماعی کم‌تر از مردها نیست» (۱۳۳۲)، شکوفه، س ۲، ش ۲۲.
- «خلاصه‌ی مقالات یک خانم بلژیکی» (۱۳۱۱)، دختران ایران، ترجمه برزوخان راد، س ۱، ش ۶.
- «خواهران بیدار شوید» (۱۳۳۷)، زبان زنان، س ۱، ش ۱۱.
- «عالم نسوان» (۱۳۰۲)، ستاره ایران، س ۹، ش ۱۰۶.
- «کنفرانس برای خانم‌ها» (۱۳۰۱)، عالم نسوان، س ۳، ش ۳.

رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران ... (علی جوانمردی و دیگران) ۱۰۷

- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۷)، زبان زنان، س ۱، ش ۵
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۷)، زبان زنان، س ۱، ش ۶
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۷)، زبان زنان، س ۱، ش ۵
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۷)، زبان زنان، س ۱، ش ۶
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۸)، «قلم در دست مردان بود»، زبان زنان، س ۲، ش ۲۰
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۸)، «ایران و فرزندانش»، زبان زنان، س ۱، ش ۹
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۹)، «مجلس عالی بادگیر»، زبان زنان، س ۲، ش ۲۹
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۰۱)، «زنان کارگر»، زبان زنان، س ۴، ش ۴ و ۵
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۰۳)، جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، س ۱، ش ۷ و ۸
- ذتابیان (۱۳۱۰)، «زن‌ها چه می‌گویند»، شفق سرخ، س ۱۰، ش ۱۸۰۴
- ر.نامور (۱۳۱۰)، «زن‌ها چه می‌گویند (۲)»، شفق سرخ، س ۱۰، ش ۱۸۰۷
- روحانی، عبدالمحمد (۱۳۰۹)، «دانستنی‌های زنان جوان»، اطلاعات، ش ۱۱۰۰
- «زن باید در امور شریک مرد باشد» (۱۳۱۴)، بیداری، س ۵، ش ۵۴
- «زن در قرن بیستم» (۱۳۰۲)، جمعیت نسوان وطن‌خواه، س ۱، ش ۲
- «زن در اجتماعات» (۱۳۰۴)، اطلاعات، س ۳، ش ۵۶۸
- «زن اروپایی» (۱۳۰۴)، افکار آزاد، ش ۳۹، س سوم
- سمیعی، ف.م (۱۳۰۰)، «مادر کیست؟»، عالم نسوان، س ۲، ش ۲
- سمیعیان، عفت (۱۳۰۵)، «اخبار ترقی نسوان»، عالم نسوان، س ۷، ش ۳
- سیاوش (۱۳۰۹)، «جامعه به چگونه زن‌هایی محتاج است؟»، شفق سرخ، س ۹، ش ۱۵۷۰
- شکیبای، «زن در میدان عمل» (۱۳۰۶)، شفق سرخ، س ۶، ش ۸۶۹
- عظیمی، هما (۱۳۰۲)، ستاره ایران، س ۹، ش ۱۳۱
- «عوامل النساء» (۱۳۳۳ق)، شکوفه، س ۲، ش ۲۰
- فخر عادل (۱۳۱۱)، «وظیفه‌ی زن چیست؟» آینده‌ی ایران؛ س ۲، ش ۶۲
- فرهاد، احمد (۱۳۰۳/م ۱۹۲۴)، «زنان ترک: هشیار باشید. به دقت بخوانید. افسانه نیست»، نامه‌ی فرنگستان، ش ۱، س اول
- فروهر (۱۳۰۵)، «خامه‌ی زنان»، اقدام، س ۵، ش ۶۱
- فمینیست [رفیع امین] (۱۲۹۸)، «تربیت دختران ما»، تجدد، ش ۴۲
- فمینیست، [رفیع امین] (۱۲۹۸)، «زنان ما»، تجدد، ش ۳۷
- فمینا، [تقی رفعت] (۱۲۹۹)، «مد (۳)»، تجدد، ش ۴۷

۱۰۸ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- فمینا، [تقی رفعت] (۱۲۹۹)، «مد»، تجدید، ش ۴۵.
- قائم مقامی، کوکب (۱۳۰۶)، «زن در ایران»، عالم نسوان، س ۷، ش ۷-۸.
- قوی، نیره (۱۳۸۹)، «فمینیسم نه مرد، نه زن، هیچ»، فرهنگ پویا، ش ۱۸.
- قمی، لطف الله (۱۳۰۲)، «تربیت نسوان»، ستاره ایران، س ۹، ش ۶۰.
- کاظمی، پرویز (۱۳۰۳)، «راه نجات: سعادت زن سعادت مملکت است»، نامه‌ی فرنگستان، س اول، ش ۲.
- کسروی، احمد (۱۳۱۳)، «آن حق زن که پایمال شده شوهرکردن است و بس»، پیمان، س ۲، ش ۴.
- کسروی، احمد (۱۳۱۲)، «مادران و دختران ما»، پیمان، س ۱، ش ۶.
- کسروی، احمد (۱۳۱۲)، «مادران و خواهران ما»، پیمان، س ۱، ش ۵.
- کسروی، احمد (۱۳۱۲)، «مادران و خواهران ما»، پیمان، س ۱، ش ۳.
- کسروی، احمد (۱۳۱۲)، «مادران و خواهران ما»، پیمان، س ۱، ش ۵.
- محمودی، م.م (۱۲۹۹)، «قانون خانه‌داری»، عالم نسوان، س ۱، ش ۱.
- هرمزی (۱۳۱۶)، «سپاسگزاری زنان ایران»، اطلاعات، س ۱۲، ش ۳۳۶۲.
- نفیسی، حسن (۱۹۲۴)، «نسوان‌نوازی»، نامه‌ی فرنگستان، ش ۶.
- نفیسی، حسن (۱۹۲۴)، «نسوان‌نوازی»، نامه‌ی فرنگستان، ش ۱.